

صبح چهارشنبه  
۸۶/۱۲/۱

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.  
امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

**آزمون ورودی**  
**دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل**  
**سال ۱۳۸۷**

**مجموعه زبان آلمانی**  
**(کد ۱۱۲۴)**

شماره داوطلبی:

نام و نام خانوادگی داوطلب:

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۲۰

عنوان مواد امتحانی ، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان آلمانی	۱۲۰	۱	۱۲۰

**اسفند ماه سال ۱۳۸۶**

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی باشد.

مناسب ترین ترجمه برای جمله ها و عبارات های شماره ی ۱ تا ۲۰، کدام است؟

- 1- **Es gefällt mir, wie bescheiden dieser Mann auftritt.**  
 (۱) از رفتار متواضعانه این مرد خوشم می آید.  
 (۲) راه رفتن متواضعانه این مرد را دوست دارم.  
 (۳) قناعت این مرد مورد پسند من است.  
 (۴) از میزان تواضع این مرد خوشنودم.
- 2- **Man erhält gute Ernte, indem man den Pflanzenschutz organisiert.**  
 (۱) رشد محصولات از راه حفظ گیاهان سازماندهی می شود.  
 (۲) با برنامه مراقبت از گیاهان، محصول خوب به دست می دهد.  
 (۳) حفظ گیاهان به همراه برنامه ریزی محصول خوب به دست می دهد.  
 (۴) برنامه ریزی برای حفاظت از گیاهان منجر به رشد محصولات می شود.
- 3- **Findest du dich mit diesem System zurecht?**  
 (۱) تو از این روش هیچ سر در می آوری؟  
 (۲) به نظر تو این روش عادلانه است؟  
 (۳) نظر واقعی تو درباره ی این روش چیست؟  
 (۴) تو جایگاهت را در این روش و سیستم پیدا می کنی؟
- 4- **Die beiden haben die Köpfe zusammengesteckt.**  
 (۱) آن دو از نظرات یکدیگر استفاده کردند.  
 (۲) آن دو عقل هایشان را روی هم ریختند.  
 (۳) آن دو با هم سرشاخ شدند.  
 (۴) آن دو با هم پیچ پیچ می کنند.
- 5- **Er machte einen seriösen Eindruck.**  
 (۱) آدم مرموزی بود.  
 (۲) آدم جدی ای به نظر می رسید.  
 (۳) او برداشت منفی کرد.  
 (۴) او یک دوره آثار چاپ کرد.
- 6- **Viele Kollegen sind ins Wanken geraten.**  
 (۱) بسیاری از همکاران مظنون واقع شدند.  
 (۲) بسیاری از همکاران به سرگیجه دچار شدند.  
 (۳) بسیاری از همکاران دچار تردید شدند.  
 (۴) بسیاری از همکاران دچار حیرت شدند.
- 7- **Auf diese Weise vertieft sich der Autor in die Geheimnisse des Seins und vermischt Weisheit und Ethik in seinem Denken.**  
 (۱) به این وسیله نویسنده در رازهای عالم وجود سیر می کند و اخلاق را در فکر خود توأم می کند.  
 (۲) بدین گونه نویسنده در اسرار هستی غور می کند و حکمت و اخلاق را در اندیشه خویش به هم در می آمیزد.  
 (۳) به این وسیله نویسنده در رموز جهان هستی سیر می کند و خرد و اخلاق را به آبشخور فکری خود می برد.  
 (۴) بدین طریق نویسنده در اسرار جهان هستی غرق می شود و خردورزی و نیک اندیشی را در اندیشه خود جای می دهد.
- 8- **Wie, sagte er, ist es so weit, dass nicht einmal der Verbrecher seines Lebens sicher ist.**  
 (۱) مرد گفت، کار به کجا کشیده که حتی بزهکار در زندگی اش ایمن نیست.  
 (۲) او گفت، چطور می شود که حتی خیانتکار نسبت به زندگی، چندان مطمئن نیست.  
 (۳) مرد می گوید، وضع تا آنجا خراب می شود که حتی بزهکار هم احساس آرامش نمی کند.  
 (۴) مرد گفت، آنقدر دایره ی همه چیز وسیع شده، که حتی بزهکار زندگی اش را به خطر می اندازد.
- 9- **Wenn beide Elternteile nicht in die gleiche Kerbe hauen und gegensätzliche Anweisungen geben, werden ihre Kinder konfus.**  
 (۱) وقتی دو پدر و مادر با هم اختلاف داشته باشند و هر کسی راهنمایی های متناقضی به آنها بدهد، بچه ها آرامش طلب نخواهند بود.  
 (۲) وقتی از دو سو در والدین اختلافی وجود داشته باشد و راهنمایی های متناقضی به آنها بدهند، کودکانشان گیج و گنگ می شوند.  
 (۳) وقتی که پدر و مادری هر دو رویه ی واحدی در پیش نمی گیرند و هر کدام دستورات متناقضی می دهند، بچه ها گیج می شوند.  
 (۴) اگر چنانچه پدر و مادری هدف واحدی در زندگی نداشته باشند و دستورات متناقضی بدهند، بچه های شان باهوش نمی شوند.
- 10- **Zwei Hähne auf einem Mist vertragen sich nicht.**  
 (۱) دو پادشاه در اقلیمی ننگجند، هزار درویش در گلیمی بخشبند.  
 (۲) دو مرغ روی یک شاخه لانه می کنند.  
 (۳) دو صد گفته چو نیم کردار نیست.  
 (۴) دو شمشیر در یک نیام ننگجند.
- 11- **Der dicke Angestellte ist in Teufels Küche geraten.**  
 (۱) چاقی آن کارمند از پرخورش است.  
 (۲) آن کارمند چاق به هچل افتاده است.  
 (۳) آن کارمند چاق نمی تواند جلوی شکمش را بگیرد.  
 (۴) کارمند چاق اسیر آشپزخانه لعنتی شده است.

## 12- Um einen hohen Kredit bei der Bank aufzunehmen, brauchen Sie Vitamin B.

- (۱) قبل از دریافت وام بلندمدت از بانک باید یک قرص ویتامین ب خورد.
- (۲) برای دریافت وام سنگین از بانک باید از اعصاب قوی برخوردار بود.
- (۳) برای گرفتن یک وام بلندمدت باید پشتوانه مالی قوی داشته باشید.
- (۴) برای گرفتن وام سنگین باید پارتی داشت.

## 13- Erst wägen, dann wagen.

- (۱) تفکر زیاد مانع شجاعت است.
- (۲) جسارت در عمل معلوم می‌شود.
- (۳) کار نیکو کردن از پر کردن است.
- (۴) قبل از اقدام به هر کاری اول باید جوانب آن را بررسی کرد.

## 14- Der Umsatz der Firma ist so stark gefallen, dass viele Angestellte ihre Papiere bekommen haben.

- (۱) تولید شرکت آنقدر مورد پسند بوده است که تعداد زیادی از کارکنان تقدیرنامه گرفته‌اند.
- (۲) قیمت قطعات تولیدی کارخانه به قدری پایین آمده است که بسیاری از کارگران توبیخ شده‌اند.
- (۳) فروش شرکت به قدری کم شده است که عذر بسیاری از کارکنان را خواستند.
- (۴) خدمات شرکت به قدری کاهش یافته است که بسیاری از کارکنان تصمیم به خروج از شرکت گرفته‌اند.

## 15- Jetzt müssen wir uns bemühen, festzustellen, wer uns zustimmt, sonst geht's um Kopf und Kragen.

- (۱) الان باید بفهمیم که آیا کسی به ما رأی می‌دهد و الا باید کوشش بیش‌تری بکنیم.
- (۲) الان باید سعی کنیم بفهمیم که کی ما را دعوت می‌کند و الا باید خودمان دست به کار شویم.
- (۳) الان باید سعی کنیم بفهمیم که کی با ما هم عقیده است و الا کلاهمان پس معرکه است.
- (۴) ما حالا باید در صدد جذب آرا باشیم، وگرنه برایمان گران تمام می‌شود.

## 16- Das Wasser hat keinen Balken.

- (۱) دریا الوار ندارد.
- (۲) آب تکیه‌گاه امنی نیست.
- (۳) الوارها در آب فرو نمی‌روند.
- (۴) تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم.

## 17- Liebe zur Natur und Suche nach Freude durchweben die gesamte persische Dichtung.

- (۱) عشق به طبیعت و طلب شادی در سراسر شعر فارسی موج می‌زند.
- (۲) عشق به طبیعت و جستجوی شادکامی در سراسر شعر فارسی به چشم می‌آید.
- (۳) دوستی با طبیعت و لذت‌جویی از مجموعه شعر فارسی جدا شدنی نیست.
- (۴) دوستی با طبیعت و شادکامی در تاروپود شعر فارسی نهاده شده است.

## 18- Seine Liebe vergaß er indessen nicht, sondern er vereinigte sich unter dem Meere mit einer Quelle.

- (۱) مرد عشق‌اش را در این میان از یاد نبرد، بلکه در ژرفای دریا با چشمه‌ای یگانه شد.
- (۲) او عشق زن را در آن هنگامه از یاد نبرد، بلکه در اعماق دریا تبدیل به چشمه‌ای شد.
- (۳) او عشق‌اش را در آن گیر و دار فراموش نکرد، بلکه در دریاها به چشمه‌ای پیوست.
- (۴) عشق او را در این میان فراموش نکرد، بلکه در اعماق دریا او را به چشمه‌ای پیوند داد.

## 19- Seine historisch wie literarisch bestens fundierten Wahlreden waren Kaviar fürs Volk.

- (۱) سخنان انتخاباتی تاریخی و همچنین ادبی وی برای مردم مفید بود.
- (۲) سخنرانی‌های انتخاباتی پر از شواهد تاریخی و ادبی‌اش، به دل همگان نشست.
- (۳) سخنرانی‌های تاریخی و ادبی بسیار مستند انتخاباتی‌اش باب طبع مردم نبود.
- (۴) خطابه‌های انتخاباتی گزینشی تاریخی و ادبی‌اش به بهترین وجه در کام مردم مزه خاویار را تداعی می‌کرد.

## 20- Diesem Professor fliegen die Herzen der Studenten zu.

- (۱) این پروفیسور دانشجویان را از خود دلزده می‌کند.
- (۲) دل دانشجویان در هوای پروفیسور پر می‌زند.
- (۳) دل دانشجویان دارد از این پروفیسور می‌رمد.
- (۴) این پروفیسور محبوب‌القلوب دانشجویان است.

متن زیر را به دقت خوانده و مناسب‌ترین گزینه را برای جاهای خالی انتخاب کنید.

### Ist Mekka nun also sicher?

Jahr ----- (21) Jahr werden in Mekka Hunderte Pilger totgetrampelt, weil es im Gedränge zu ----- (22) kommt. Deutsche Forscher und Ingenieure helfen nun den Saudis die Wallfahrt neu zu organisieren. Am 12. Januar 2006 ----- (23) Johansson ----- (23), was hinter der Statistik steckt. Als die Sonne sich dem ----- (24) nähert, sieht er auf einem Monitor ein Meer aus hellen Punkten: Pilger in weißen Gewändern, unterwegs ----- (25) drei Säulen im Tal von Mina. Heute ist das Areal videoüberwacht.

Nach der Massenpanik vom 12. Januar hatten die Behörden genug. Sie nahmen sich vor, die schwellenden Pilgerströme wieder in kontrollierbare Bahnen zu lenken und holten sich Rat ----- (26) Dirk Helbing von der TU Dresden. Er stellte den Saudis ein deutsches Expertenteam zusammen. Für ihn ist Mekka »das größte Fußgängerproblem der Welt«. Nirgendwo sonst drängen sich so viele Menschen auf so engem Raum. Das Tal von Mina ----- (27) etwa drei mal drei Kilometer. Wenn Menschen sich in eine U-Bahn oder einen Fahrstuhl drängen, passen drei bis vier auf einen Quadratmeter. Die Szenarien von Fußgängerforschern, ausgehend vom durchschnittsdicken Europäer, enden bei sechs Personen pro Quadratmeter. In Mekka waren es zehn. Künftig würde die Steinigung von vier Etagen und dem Erdgeschoss ----- (28) möglich sein. Die fertige Brücke soll bis zu fünf Millionen Pilger pro Tag fassen. Zu den umstrittensten Vorschlägen gehörte die Idee mit den Einbahnstraßen. In einen Plan von Mina zeichneten die Verkehrsplaner rote und grüne Straßen ----- (29), grün für die Leute, die zum Steinewerfen gehen, rot für jene, die zurückkommen. Dazu gehörte auch der wohl größte Stundenplan der Welt, den der Logistiker Knut Haase von der TU Dresden entwickelte: 30000 Gruppen mit jeweils 100 Pilgern wies er jeweils eine Route und einen Zeitpunkt für das Steinigungsritual zu.

Ist Mekka nun also sicher? »Sicherer«, sagt Panikforscher Helbing, »Hundertprozentige Sicherheit wird man wohl niemals erreichen können.« Dazu müsste man ----- (30) versetzen.

- |                  |                  |                       |                  |
|------------------|------------------|-----------------------|------------------|
| 21- 1) in        | 2) im            | 3) für                | 4) bei           |
| 22- 1) Massakern | 2) Massenpaniken | 3) Massensteinigungen | 4) Massenmorden  |
| 23- 1) trat / zu | 2) trat / bei    | 3) hörte / zu         | 4) erlebte / mit |
| 24- 1) Zenit     | 2) Horizont      | 3) Untergang          | 4) Wendepunkt    |
| 25- 1) –         | 2) in die        | 3) zu den             | 4) bei der       |
| 26- 1) um        | 2) zu            | 3) bei                | 4) mit           |
| 27- 1) misst     | 2) läuft         | 3) wiegt              | 4) bindet        |
| 28- 1) hinter    | 2) unter         | 3) für                | 4) aus           |
| 29- 1) bei       | 2) ein           | 3) über               | 4) unter         |
| 30- 1) Berge     | 2) Gesetze       | 3) Regelungen         | 4) Abmachungen   |

با توجه به متن زیر به سوالات ۳۱ تا ۳۸ پاسخ دهید.

### Goldpreis bricht 27-Jahres-Rekord

**Das hat es seit 1980 nicht gegeben: Nach der neuen Leitzins-Senkung der US-Notenbank ist der Goldpreis über die Marke von 800 Dollar je Unze gestiegen. Auch Öl wird teurer und teurer.**

Im nachbörslichen Handel kletterte der Gold-Preis an der New Yorker Rohstoffbörse Nymex auf 800,80 Dollar je Unze. Händler nannten die Furcht vor einer Steigerung der Inflationsrate als einen Grund. Zugleich suchen Anleger sichere Anlagen, während der Dollar weiter nachgibt.

Die Notenbank Fed hatte zuvor den Leitzins zum zweiten Mal binnen sechs Wochen herabgesetzt. Sie verringerte den Satz um einen Viertelpunkt auf 4,5 Prozent. Mitte September hatte die Fed den Leitzins bereits um einen halben Prozentpunkt gesenkt. Die Fed signalisierte nach ihrem Beschluss, dass der jetzige Zinsschnitt ausreiche, um Konjunkturrisiken abzuwenden. In einer Stellungnahme hieß es, dass die „Risiken der steigenden Inflation etwa dem Risiko eines Abwärtstrends der Konjunktur entsprechen“. Der US-Ölpreis war am Morgen nach der Fed-Entscheidung erstmals über die Marke von

96 Dollar gestiegen. Im asiatischen Handel kostete ein Barrel (159 Liter) der Sorte West Texas Intermediate (WTI) zur Auslieferung im Dezember in der Spitze bis zu 96,22 Dollar. Zuletzt gab der WTI-Preis indes wieder etwas nach und lag bei 95,58 Dollar. Das waren 1,05 Dollar mehr als zum Handelsschluss am Vortag.

Händler führten die anhaltenden Rekordstände der Ölpreise zum einen auf die enttäuschenden Öllager-Bestandsdaten der USA vom Mittwoch zurück, die nachgewirkt hätten.

**31- Welcher Satz ist falsch?**

- 1) Fed hatte zuvor Mitte September den Leitzins bereits um 4,5 Prozentpunkte gesenkt.
- 2) Binnen sechs Wochen hatte die Notenbank Fed zum zweiten Mal den Leitzins herabgesetzt.
- 3) Zur Auslieferung im Dezember betrug der Preis der Sorte WTI im asiatischen Handel bis zu 96,22 Dollar.
- 4) Die Risiken der steigenden Inflation sollten etwa dem Risiko eines Abwärtstrends der Konjunktur entsprechen, hieß es.

**32- Welcher Satz kann mit Hinblick auf den Text zutreffen?**

- 1) Nach der Fed-Entscheidung war der US-Ölpreis erstmals über die Marke von 96 Dollar gestiegen.
- 2) Im nachbörslichen Handel kletterte der Gold-Preis an der New Yorker Börse auf 800,80 Dollar pro Barrel.
- 3) Der Gold-Preis an der New Yorker Börse betrug 1,05 Dollar mehr als zum Handelsschluss am Vortag.
- 4) Ein Barrel der Sorte West Texas Intermediate kostete im asiatischen Handel zur Auslieferung im Dezember in der Spitze bis zu 800,80 Dollar je Unze.

**33- „Die Notenbank Fed hatte zuvor den Leitzins zum zweiten Mal binnen sechs Wochen herabgesetzt. Sie verringerte den Satz um einen Viertelpunkt auf 4,5 Prozent.“ Sie bezieht sich auf -----**

- 1) die Leitzinsen.
- 2) die Senkung.
- 3) die Wochen.
- 4) die Fed.

**34- Seit 1980 hat es das nicht gegeben, dass -----**

- 1) der Ölpreis teurer und teurer wird.
- 2) der Goldpreis den 27-jährigen Rekord bricht.
- 3) es eine Leitzins-Senkung der US-Notenbank gab.
- 4) es eine Steigerung des Goldpreises über die Marke von 800 Dollar je Unze gab.

**35- „Im nachbörslichen Handel kletterte der Gold-Preis an der New Yorker Rohstoffbörse Nymex auf 800,80 Dollar je Unze.“**

- 1) Der Preis an anderen Börsen betrug 800,80 \$.
- 2) Außerhalb der Börse betrug der Preis 800,80 \$.
- 3) Das war der Preis im Handel nach der offiziellen Börsenzeit.
- 4) Das wäre der Preis im Handel, wenn die offizielle Börsenzeit nicht bestanden hätte.

**36- Als Grund für die Steigerung nannten die Händler -----**

- 1) die Inflationsrate.
- 2) die Furcht vor der Inflationsrate.
- 3) die Steigerung der Inflationsrate.
- 4) die Furcht vor einer Steigerung der Inflationsrate.

**37- Womit können nach Fed die Konjunkturrisiken abgewendet werden?**

- 1) mit dem Beschluss
- 2) mit dem Zinsschnitt
- 3) mit den Risiken
- 4) mit dem Signal

**38- Welcher Satz ist richtig?**

- 1) Der Anstieg des Gold-Preises an der New Yorker Rohstoffbörse könnte durch die Furcht vor einer Steigerung der Inflationsrate verursacht worden sein.
- 2) Der Anstieg des Gold-Preises an der New Yorker Rohstoffbörse könnte durch den nachbörslichen Handel verursacht worden sein.
- 3) Wenn sich die Händler nicht vor einer Steigerung der Inflationsrate gefürchtet hätten, wäre der Gold-Preis nicht gestiegen.
- 4) Wenn Anleger nicht nach sicheren Anlagen gesucht hätten, hätte eine Steigerung der Inflationsrate verhindert werden können.

با توجه به متن زیر به سوالات ۳۹ تا ۴۵ پاسخ دهید.

### **Rückblick in die Welt von morgen**

Revolution ja - aber anders: Nie waren Technikträume so radikal und visionär wie in den spätern Sechzigern. Nie waren die Zukunft futuristischer und die Träume visionärer als in der Bundesrepublik der späten 1960er Jahre. Weder der eskalierende Vietnamkrieg noch gelegentliche Konjunkturkrisen, erst recht nicht APO und Jugendproteste bremsten den Glauben an den technischen Fortschritt, dem die Mehrzahl der Menschen wie der Medien anhing. In den Jahren 1967 und 1968 - heute eher als Revoluzzer-Ära eingestuft - erreichte die Zukunfts- und Technikeuphorie den Gipfel. Zwei Drittel des 20.

Jahrhunderts waren geschafft, das letzte Drittel würde stetig aufwärts führen und im magischen Datum 2000 enden, mit vollautomatisierten Haushalten, hochtechnologischen Verkehrssystemen, himmelsstürmenden Wohnkomplexen und Siedlungen unter dem Meer wie auf dem Mond. Unbestrittene Leit- und Zukunftstechnik war die bemannte Raumfahrt. Seit 1961 lief das Apollo-Programm der NASA, das bis Ende des Jahrzehnts einen Menschen zum Mond bringen sollte, und kaum jemand zweifelte, dass eine Landung auf dem Mars folgen würde.

Dann bescherte uns 1973 den Nahostkrieg und die erste Energiekrise, der Winter 1974/75 den Absturz der Konjunktur und mehr als eine Million Arbeitslose. Zugleich wuchsen die Konflikte um den Ausbau der Atomkraft wie auch die ökologische Bewegung. Die Begeisterung für Wissenschaft, Technik und Zukunft war unwiederbringlich dahin.

**Die alten Visionen haben ihre Kraft nicht verloren und wecken Sehnsucht nach Utopie.**

#### **39- Was trifft zu?**

- 1) Der eskalierende Vietnamkrieg und die gelegentlichen Konjunkturkrisen bremsten den Glauben an den technischen Fortschritt.
- 2) Gebremst durch die Medien, haben die Mehrzahl der Menschen den Glauben an den technischen Fortschritt verloren.
- 3) Der Glaube an den technischen Fortschritt konnte den Menschen nicht genommen werden.
- 4) Angeregt durch die Medien, hingen die Mehrzahl der Menschen an dem Glauben an den technischen Fortschritt.

#### **40- Der Nahostkrieg und die erste Energiekrise führten -----**

- 1) zu keinem der oben genannten Punkte.
- 2) zur Steigerung der Konflikte um den Ausbau der Atomkraft.
- 3) hingegen zur Begeisterung für Wissenschaft, Technik und Zukunft.
- 4) zum Absturz der Konjunktur und hinterließen mehr als eine Million Arbeitslose.

#### **41- Was trifft zu?**

- 1) Unbestrittene Leit- und Zukunftstechnik war die bemannte Raumfahrt, da mit dem Apollo-Programm der NASA bis Ende des Jahrzehnts Menschen zum Mond gebracht werden sollten.
- 2) Durch das Apollo-Programm der NASA sollten bis Ende des Jahrzehnts Menschen zum Mond gebracht werden und kaum jemand zweifelte, dass eine Landung auf dem Mars folgen würde.
- 3) Da seit 1961 das Apollo-Programm der NASA lief, war die bemannte Raumfahrt umstrittene Leit- und Zukunftstechnik.
- 4) Seit 1961 war die bemannte Raumfahrt, unbestrittene Leit- und Zukunftstechnik.

#### **42- Mit „eskalierender Vietnamkrieg“ ist nicht gemeint, dass -----**

- 1) der Vietnamkrieg allmählich verschärft wurde.
- 2) der Vietnamkrieg sich allmählich ausweitete.
- 3) der Vietnamkrieg sich allmählich steigerte.
- 4) der Vietnamkrieg allmählich nachließ.

#### **43- Die Jahre 1967 und 1968 werden heute als Revoluzzer-Ära eingestuft, da -----**

- 1) es Siedlungen unter dem Meer wie auf dem Mond geben sollte.
- 2) man an vollautomatisierten und hochtechnologischen Verkehrssystemen arbeitete.
- 3) man nicht nur grundlegenden Änderungen entgegenschah, sondern auch an ihrer Verwirklichung arbeitete.
- 4) das letzte Drittel des Jahrhunderts stetig aufwärts führen und im magischen Datum 2000 enden würde.



مناسب ترین ترجمه برای جمله ها و عبارتهای شماره ی ۵۶ تا ۷۵، کدام است؟

۵۶ - « به دست آوردن دنیا هنر نیست یکی را گر توانی دل به دست آر »

- 1) Keine Kunst ist Welterobern \ erobere ein Herz, wenn du kannst
- 2) Gewinnung des Diesseits ziemt sich nicht \ versöhne dich mit einem, sonst nichts
- 3) Welt zu bekommen ist keine Kunst \ ziehe einem das Herz an, wenn es geht
- 4) Diesseits zu gewinnen ist ja einfach \ versuche möglichst, einen zu trösten

۵۷ - حق استفاده از عنوان دکتری از او سلب شد.

- 1) Ihm wurde der Dokortitel aberkannt.
- 2) Den Dokortitel hat man von ihm zurückbekommen.
- 3) Das Recht zum Dokortitel wurde ihm entbeht.
- 4) Den Dokortitel zu verwenden hat man ihm entzogen.

۵۸ - کارش فقط غر زدن است.

- 1) Er protestiert nur.
- 2) Sein Tun ist nur Protest.
- 3) Er tut nichts als meckern.
- 4) Seine Tat ist nur Meckerei.

۵۹ - خود را موظف می دانست از تصمیم گیری های حزب پشتیبانی کند.

- 1) Er pflegte immer die Beschlüsse der Partei zu unterstützen.
- 2) Es war seine Pflicht, sich für Beschlüsse der Partei zu engagieren.
- 3) Es war seine Verpflichtung, die Beschlüsse der Partei zu befolgen.
- 4) Er fühlte sich verpflichtet, die Beschlüsse der Partei zu unterstützen.

۶۰ - او استعداد زیادی در سازماندهی یک مقاومت مردمی داشت.

- 1) Er war sehr begabt, das Volk zum Widerstand zu provozieren.
- 2) Er besaß eine Fähigkeit, das Volk zum Widerstand zu organisieren.
- 3) Er hatte eine große Begabung zur Organisierung eines nationalen Widerstandes.
- 4) Er hatte gute Fähigkeit zur Planung eines Widerstandes unter dem Volk.

۶۱ - واقعیات را نمی توانی نادیده بگیری.

- 1) Du kannst die Tatsachen unbedingt sehen.
- 2) Du kommst um die Tatsachen nicht herum.
- 3) Du kannst um die Tatsachen herumkommen.
- 4) Du sollst die Tatsachen berücksichtigen.

۶۲ - مرد جوان ناگهان احساس تهی شدن کرد. دیگر انگیزه ای برای ماندن، مجالی برای نفس کشیدن برای او نبود.

- 1) Plötzlich wurde er leer. Zum Bleiben hatte er keine Lust und keine Gelegenheit zu atmen.
- 2) Der Junge fühlte sich leer. Er fühlte sich nicht zum Bleiben zugehörig und nicht in der Lage, atmen zu können.
- 3) Der junge Mann hatte das Gefühl, leer zu sein, keine Motivation zum Bleiben und keine Chance zum Atmen.
- 4) Plötzlich spürte der junge Mann eine große Leere in sich. Jetzt gab es für ihn keinen Anlass mehr zu bleiben und keine Möglichkeit mehr zu atmen.

۶۳ - ما کار را در میدان عمل باید یاد بگیریم، این برای آدم های متعهد یک اصل است.

- 1) Man muss die Arbeit beim Tun lernen. Die Verantwortlichen engagieren sich dafür.
- 2) Wir müssen uns ein Ziel schaffen, damit wir uns engagiert Verantwortung tragen können.
- 3) Wir müssen die Arbeit auf dem Felde der Taten erlernen, das ist für engagierte Menschen ein Prinzip.
- 4) Man lernt die Theorie während der Praxis. Das Praktikum ist ein Prinzip für verantwortliche Menschen



۶۴- گویی اطاق برایش تنگ و تنگ تر می شد، یخ کرد. سنگینی نگاه هزاران نفر را بر خود احساس می کرد. پوک شده بود.

- 1) Es schien, als würde der Raum um ihn enger und enger. Er erstarrte. Er spürte die Schwere von tausenden Blicken auf sich. Er war wie ausgehöhlt.
- 2) Man sagt, dass der Raum ihm immer enger wurde. Er würde frieren und das Ansehen von tausenden Augen auf sich haben. Er wäre matt.
- 3) Ihm wurde es kalt im Zimmer und immer enger. Er fühlte, als würden ihn Tausende anschauen. Er war hohl.
- 4) Das Zimmer wurde ihm immer enger und kälter, und er spürte den hastigen Blick. Er war platt.

۶۵- ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما!

- 1) Es ist eingetragen im Buch des Firmaments, dass wir unendlich bleiben.
- 2) Wir dauern ewig; es ist geschrieben im Buch jenes Weisen.
- 3) Es steht im Heftchen der Welt, dass wir ewig überleben!
- 4) Dass wir ewig dauern, ist im Buch der Welt festgehalten.

۶۶- آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک.

- 1) Volle Schüssel findet viele Freude.
- 2) Viele Köche verderben den Brei nie.
- 3) Zu wenig und zu viel ist allen Narren Ziel.
- 4) Wo viele Hebammèn sind, ist es ums Kind geschehen.

۶۷- دریافتن شعر هر ملتی دریافتن روح آن ملت است.

- 1) Wenn man die Gedichte des Volkes versteht, weiß man den Geist jenes Volkes.
- 2) Die Poesie einer Nation verstehen, heißt, den Geist dieser Nation verstehen.
- 3) Die Lyrik einer Nation wahrzunehmen, ist die Wahrnehmung der Seele jener Nation.
- 4) Die Bekanntschaft mit der Dichtung eines Volkes ist wie Bekanntschaft mit seiner Laune.

۶۸- در هر دانه شوقی نهان است.

- 1) In jedem Samen steckt eine Sehnsucht.
- 2) Jeder Same verbirgt sein Blühen in sich.
- 3) Jeder Same versteckt eine Tendenz in sich.
- 4) Der heimliche Wunsch des Sames ist das Blühen.

۶۹- بعد از انحلال آکادمی از سوی قیصر روم شرقی، شماری از فیلسوفان یونانی از آن پس به دربار پادشاه ایرانی خسرو انوشیروان در تیسفون کوچیدند.

- 1) Eine Anzahl Philosophen zog nach Auflösung der Akademie vom oströmischen König hierauf an den Hof des Perserkaisers Anuschirwan nach Tisfoun.
- 2) Nach Auflösung der Akademie durch den oströmischen Kaiser, zog hierauf eine Anzahl Philosophen nach Ktesiphon an den Hof des Perserkönigs Khosrau Anuschirwan.
- 3) Eine Menge Philosophen zogen nach Auflösung der Akademie vom oströmischen Kaiser hierauf an den Hof des Perserkönigs Kaiser Anuschirwan nach Ktesiphon.
- 4) Nach Auflösung der Akademie vom oströmischen Kaiser zogen eine Anzahl Philosophen hierauf an den Hof des iranischen Kaisers Khosrau Anuschirwan nach Tisfoun.

۷۰- تعزیه، به باور بسیاری از شرق شناسان، همچون «اپرای مذهبی» یا «نمایش آلام مسیح» در غرب است که در ایران به اوج خود رسیده است. اما، این باور درست نیست.

- 1) Wie viele Orientalisten meinen, sei die Tasiye, jenes „religiöse Opernstück“ oder die „Christis Passionen“ im Westen, die in Iran einen großen Höhepunkt erreicht habe. Aber, das ist falsch.
- 2) Viele Orientalisten sind der Meinung, die Tasiye sei eine Art „religiöse Oper“ oder „Passionsspiel“ wie im Westen, die in Iran ihren Höhepunkt erreicht hätte. Aber diese Meinung ist falsch.
- 3) Die Tasiye, wie viele Orientalisten meinen, ist eine „geistliche Operete“ oder ein „Spiel von Leiden des Christus“ im Westen, die in Iran ihren Höhepunkt erreicht hat. Aber, das ist falsch.
- 4) Die Tasiye, wie viele Orientalisten meinen, kann „religiöse Musikstücke“ oder ein „Christi Passionsspiel“ im Westen sein, die in Iran ihren Höhepunkt erreicht habe. Aber, das ist falsch.

- ۷۱ بدین ترتیب گونه‌های ادب شرق به جهان ادب اروپا وارد شد و بعدها نویسندگان عصر رمانتیک از آن الهام گرفتند.
- 1) So kamen die östlichen literarischen Gattungen in den europäischen Literaturraum und hatten später einen großen Einfluss auf die Schriftsteller der romantischen Epoche.
- 2) So fanden die östlichen literarischen Gattungen Eingang in die Welt der europäischen Literatur und brachten später die Schriftsteller der romantischen Zeit zu einer starken Inspiration.
- 3) So fanden die östlichen Dichtungsarten Eingang in die europäische Literaturwelt und inspirierten später die Schriftsteller der Romantik.
- 4) So gingen die östlichen Dichtungsarten Eingang in die europäische Weltliteratur ein und inspirierten später die Schriftsteller der romantischen Epoche.
- ۷۲ گوته تحت تأثیر مطالعات عهد عتیق پاره‌هایی از « غزل‌های سلیمان » را در اشتراسبورگ به آلمانی برگرداند.
- 1) Unter dem Eindruck von urantiken Studien in Straßburg übertrug Goethe Teile aus dem Hohelied Solaimans ins Deutsche.
- 2) Unter dem Eindruck altbiblischer Forschungen übersetzte Goethe in Straßburg Teile aus Solaimans besten Ghazelen ins Deutsche.
- 3) Unter dem Eindruck alttestamentarischer Studien übertrug Goethe in Straßburg Teile aus dem Hohelied Salomos ins Deutsche.
- 4) Goethe übertrug unter dem Eindruck alttestamentarischer Forschungen in Straßburg Teile aus Salamos schönsten Ghazelen ins Deutsche.
- ۷۳ امید است این اثر در تحکیم روابط توفیق و تأثیری شایسته کسب نماید.
- 1) Hoffentlich wird das vorliegende Werk bei der Festigung von Beziehungen gebührenden Erfolg und Anklang finden.
- 2) Man hofft darauf, dass dieses Werk bei Befestigung der Kontakte wirkenden Erfolg haben wird.
- 3) Hoffentlich wird dieses Werk zur Bestimmung der Kontakte beitragen und guten Erfolg und Eindruck erhalten.
- 4) Hoffentlich gelangt dieses Werk bei Festigung der Verbundenheit zum Erfolg und zur Wirkung.
- ۷۴ وقتی در یک شهر، دو طرز تفکر حاکم باشد، معلوم است که نمی‌توان برای مردم کاری کرد.
- 1) Wenn es in einer Stadt zwei Herrscher gibt, ist es doch klar, dass den Leuten etwa nichts zu machen ist.
- 2) Wenn zwei Denkweisen verschiedene Städte regieren, kann man den Leuten nicht antun.
- 3) Wenn zwei Bürgermeister in einer Stadt nicht übereinstimmen, gibt es Meinungsverschiedenheiten, den Leuten zu helfen.
- 4) Wenn in einer Stadt zwei verschiedene Denkweisen dominieren, dann ist es doch klar, dass man nichts für die Menschen tun kann.
- ۷۵ انسانیت رودی از روشنایی است، که از ازل تا به ابد روان است.
- 1) Die Menschheit: Ein Fluss des Lichts, der strömt von den Urzeiten bis zur Ewigkeit.
- 2) Die Menschlichkeit ist ein Lichtstrom, der von Ewigkeit zu Ewigkeit fließt.
- 3) Die Menschlichkeit strömt wie ein lichter Fluss vom Anbeginn bis zur Unendlichkeit.
- 4) Der Strom des Lichts ist für die Menschheit vom Anfang bis zum Ende fließend.

متن زیر را به دقت خوانده، به سؤالات ۷۶ تا ۸۲ پاسخ دهید.

#### داستان داستان‌ها

حرف بر سر چیست، جنگ بر سر چیست؟ در یک کلمه می‌توان گفت بر سر آزادی و اسارت. جان و جوهر تراژدی رستم را « مقاومت » تشکیل می‌دهد. مرد آزاد چه راهی را باید در پیش گیرد؟ آیا زندگی را به هر قیمت بپذیرد یا خود در تعیین بهای آن دست داشته باشد؟ اگر رستم برای پاسخ دادن به این سؤال انتخاب شده، برای آن است که تواناترین و نامورترین فرد دنیای شاهنامه است؛ چنان که از قول فردوسی در تاریخ سیستان آمده: « خدای - تعالی - خویشان را هیچ بنده چون رستم نیافرید. » اما توانایی و ناموری او در آن است که نماینده‌ی مردم است؛ پرورده‌ی تخیل هزاران هزار آدمی زاد است که در طی زمان‌های دراز او را به عنوان تجسمی از رویاها و آرزوهایشان آفریده‌اند. اسفندیار که نماینده‌ی اتحاد دین و دولت است، او را بر سر این دو راهی می‌نهد: یا دست به بند بده و آسوده باش، یا آزادی را برگزین و نابود شو.

ولی قضیه به همین سادگی تمام نمی‌شود؛ روزگار که بازیگر است راه سومی نیز در آستین دارد و آن این است که شکارگر آزادی، خود نخست در دامی که نهاده بیفتد تا سپس نوبت به گزیننده‌ی آزادی برسد؛ کسی که آزادی را پذیرفت وقتی دست بسته نمرد، در هر حال فاتح است.

در نزد رستم دو اشکال اضافی نیز هست: یکی آن که مرگش به خود او ختم نمی‌یابد، همه‌ی خویشان و نزدیکانش را در برمی‌گیرد و ویرانی کشورش را هم به دنبال می‌آورد، دوم آن که مرگ او، به منزله‌ی میدان خالی کردن جمیع کسانی خواهد بود که او را تجسم آرمان‌های خود کرده‌اند، یعنی شکست بشریت.

اکنون که باید جنگ کرد، هم رستم و هم اسفندیار، هر یک کوشش دارند دیگری را زنده به چنگ آورد. جوانی اسفندیار، فزونی نیروی رستم را خنثی می‌کند ولی مشکل در رویتنی اسفندیار است. این چه جنگی است که رستم هر چه می‌زند کارگر نمی‌افتد و اسفندیار هر ضربتی بخواهد بر تن او وارد می‌کند؟ نظیر چنین جنگی را به عمرش ندیده؛ نه با دیوان و نه با پهلوانان توران و چین. همان روز اول خود و اسبش زخم‌های کاری برمی‌دارند. حتی زمانی که بر پشت اکوان دیو در هوا معلق بود، آن قدر خود را به مرگ نزدیک ندیده بود.

76- **Der Tod von Rostam ist gleichzusetzen mit -----**

- 1) dem Niedergang der Menschheit.
- 2) der Gefangenschaft aller Menschen.
- 3) der Freiheit der Menschen in seiner Obhut.
- 4) dem Tod all jener Menschen, die ihn als ihr Idol gesehen hatten.

77- **Aus dem Text geht hervor, dass -----**

- 1) Rostam jünger ist als Esfandiar.
- 2) Esfandiar stärker ist als Rostam.
- 3) Esfandiar sich noch nie dem Tod so nah gefühlt hatte.
- 4) Rostam einen derartigen Krieg nie im Leben erlebt hat.

78- **Rostam ist stark und berühmt, da er -----**

- 1) nicht von den Menschen gewählt worden ist.
- 2) über Jahre hinweg von den Menschen verehrt wurde.
- 3) die Stärke der Menschen, die ihn gewählt haben, darstellt.
- 4) die Wünsche und Phantasien tausender Menschen verkörpert.

79- **Welche Aussage ist richtig?**

- 1) Rostam schafft es, seinem Gegner zahlreiche Wunden zuzufügen.
- 2) Rostam hat mit zahlreichen Ungeheuern gekämpft und ist daher unschlagbar geworden.
- 3) Esfandiar scheint unschlagbar zu sein, da er bisher mit zahlreichen Ungeheuern gekämpft hat.
- 4) Esfandiar scheint unschlagbar zu sein und kann seinem Gegner zahlreiche Wunden zufügen.

80- **Nach Ferdowsi muss ein freier Mensch -----**

- 1) sich all dem, was das Leben bietet, widersetzen.
- 2) seinen Lebenslauf selbst in die Hände nehmen.
- 3) die Antwort ist diesem Abschnitt nicht zu entnehmen.
- 4) gegenüber dem, was ihm widerfährt, gleichgültig sein.

81- **Welcher Satz trifft zu?**

- 1) Sollte Rostam in die Falle treten, würde er sterben.
- 2) Esfandiar ist der erste, der in seine eigene Falle tritt.
- 3) Durch Esfandiar wird Rostam zur Entscheidung gezwungen.
- 4) Rostam steht für die Einheit zwischen der Religion und dem Staat.

82- **Aus dem obigen Text geht hervor, dass es -----**

- 1) bei der Tragödie von Rostam und Esfandiar um den Widerstand geht.
- 2) bei der Tragödie von Rostam und Sohrab um Freiheit und Gefangenschaft geht.
- 3) bei der Geschichte von Rostam und Sohrab um den Widerstand geht.
- 4) bei der Geschichte von Rostam und Sohrab um eine Tragödie geht.



در سوالات ۹۱ تا ۱۰۰، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کنید.

- 91- Die Bundesregierung wird dem Bundestag eine Reihe von Gesetzesänderungen -----.  
1) vorlegen                      2) vortragen                      3) vorwegnehmen                      4) vorenthalten
- 92- Der zu der Zeit ----- Bundespräsident Roman Herzog begrüßte den Vorschlag von Präsident Chatami zum Jahr des Dialogs der Zivilisationen.  
1) amtierende                      2) dominierende                      3) kandidierende                      4) pensionierende
- 93- Was kann nicht ausbrechen?  
1) der Schweiß                      2) ein Gewitter                      3) eine Epidemie                      4) eine Revolution
- 94- Wo kann das Verb ‚wissen‘ nicht angewendet werden?  
1) Ich weiß mir keinen Rat.  
2) Renate weiß sich in dieser Situation zu helfen.  
3) Als Mutter wissen Sie dieses Problem doch auch.  
4) Der Minister weiß von den Schwierigkeiten der Arbeiterfamilien.
- 95- Wir haben sehr klar gemacht, dass für uns die Unabhängigkeit der Journalisten und die Verpflichtung zur Wahrheit ----- sind.  
1) fragwürdig                      2) abänderbar                      3) abänderlich                      4) unumstößlich
- 96- Die Parlamentsabgeordneten werden gefragt, ob sie mit dem Vorschlag des Präsidenten einverstanden sind. Sie können den Vorschlag -----, den Vorschlag ----- oder sich enthalten.  
1) annehmen – ablehnen                      2) bejahen – absagen  
3) ablehnen – zustimmen                      4) zusagen – widersprechen
- 97- Jeder versucht natürlich seine Meinung durchzusetzen. Flexibel sein und in einigen Punkten ----- ist aber oft klüger.  
1) anpassen                      2) nachgeben                      3) unflexibel                      4) kurztreten
- 98- Sonst hat er mir immer seine Begleitung angeboten, -----.  
1) im Vergleich zu heute                      2) denn heute hat er sie mir verweigert  
3) doch heute hat er sich verweigert                      4) doch heute hat er sie mir verweigert
- 99- „Mein neuer Nachbar sieht sehr skurill aus.“ Was bedeutet „skurill“ in diesem Satz?  
1) bizarr, verrückt                      2) gelehrt, allwissend                      3) vernünftig, gelehrig                      4) gelassen, kaltblütig
- 100- Er ist maulfaul, heißt:  
1) Er isst wenig.                      2) Er ist einsilbig.  
3) Er ist sehr faul.                      4) Er ist faul wie ein Maultier.

## آیین نگارش:

در سوالات ۱۰۱ تا ۱۲۰، گزینه‌ی صحیح کدام است؟

- 101- Was ist falsch?  
1) heute früh                      2) Angst haben                      3) heute mittag                      4) Schuld geben
- 102- In welchem Satz ist die neue Rechtschreibung nicht berücksichtigt worden?  
1) Er ist sehr behände bei seiner Arbeit.  
2) Es ist nicht nötig, dass ihr pünktlich seid.  
3) Überall auf dem Boden lagen Stofffetzen herum.  
4) Seinen Haß gegen die Umwelt konnte er nicht kontrollieren.
- 103- Um den Gefahren des Dschungels nicht allein ausgesetzt zu sein, sollte die Gruppe -----.  
1) bei einanderbleiben                      2) beieinander bleiben                      3) beieinanderbleiben                      4) bei ein ander bleiben

- 104- ‚geradeaus‘ oder ‚gerade aus‘ – In welchem Satz wurde es nicht richtig angewendet?  
 1) Sie kommt gerade aus dem Haus.  
 2) Sie geht geradeaus zum Geschäft.  
 3) Sie geht gerade aus die Straße hinunter.  
 4) Während seiner ganzen Studienzeit war er immer geradeaus zu uns.
- 105- In welchem Satz ist die Regel der Groß-oder Kleinschreibung nicht eingehalten worden?  
 1) Die Firma ist pleite.  
 2) Mir wird angst und bange.  
 3) Die Frist läuft übermorgen mitternacht ab.  
 4) Wegen all dem Andrang stand es nun Kopf bei ihr.
- 106- In welchem Satz stimmt die Zeichensetzung nicht?  
 1) ‚Ich komme morgen‘, sagte er.  
 2) Fragtest du: ‚Wann beginnt der Film?‘  
 3) ‚Aber er hat es ihm trotz allem nicht gesagt!‘, sagte sie empört  
 4) ‚Wann ist sein Termin beim Arzt?‘ wollte sie von der Sekretärin wissen.
- 107- Wir erwarten dich -----  
 1) nächste Woche vielleicht auch übernächste zu einem Besuch.  
 2) nächste Woche, vielleicht auch übernächste zu einem Besuch.  
 3) nächste Woche, vielleicht auch übernächste, zu einem Besuch.  
 4) nächste Woche vielleicht auch übernächste, zu einem Besuch.
- 108- Welcher Satz ist korrekt?  
 1) Daran, schnell die Arbeit zu beenden dachte sie nicht.  
 2) Das schlafende Kind im Arm, so kam sie die Treppe herunter.  
 3) Ihre Forderung, um das noch einmal zu sagen halten wir für wenig angemessen.  
 4) Er dachte nicht daran bald zu einem Erfolg zu kommen, und hielt den Termin nicht ein.
- 109- Die Beschreibung der Wirkung einer Geschichte auf den Leser bzw. das Urteil über andere Gedichte oder Geschichten steht in der Regel -----  
 1) im Schlussteil                      2) im Vorwort                      3) im Hauptteil                      4) in der Einleitung
- 110- Wählen Sie den richtigen Satz.  
 1) Na ja, wer weiß, wie's ist, wenn ich mal so alt bin.  
 2) Na ja, wer weiß wie's ist? wenn ich mal so alt bin?  
 3) Na ja wer weiß, wie's ist, wenn ich mal so alt bin?  
 4) Na ja! wer weiß? wie s ist, wenn ich mal so alt bin?
- 111- Welche Variante der folgenden Fremdwörter ist falsch?  
 1) Lizenziat → Liszentiat                      2) Potenzial → Potential  
 3) Friseur → Frisör                      4) Spaghetti → Spagetti
- 112- Welches Verb ist hier trennbar?  
 1) schwarzarbeiten                      2) sich langweilen                      3) frohlocken                      4) weissagen
- 113- Wo steht hier der Bindestrich falsch?  
 1) Kfz-Steuer                      2) 100-Meter-Lauf  
 3) Main-Donau-Kanal                      4) die römisch-katholische-Kirche
- 114- Was ist hier falsch? (Groß-und Kleinschreibung)  
 1) Er trägt Nachmittags weiße Schuhe.                      2) Es ist mir recht, wenn du kommst.  
 3) Der Betrieb ist pleite.                      4) Mir ist angst und bange.
- 115- Im Schreiben dekliniert man Zahlen -----, Zahl-Adjektive werden -----  
 1) – / nicht dekliniert.                      2) – / auch dekliniert.  
 3) nicht / dekliniert.                      4) nicht / auch nicht dekliniert.
- 116- Welche Schreibung ist falsch?  
 1) Henne                      2) Kaiser                      3) Frisör                      4) nähmlich
- 117- Welche Erklärung zu diesen Zeitangaben ist nicht richtig?  
 1) dreimonatige Kur = eine drei Monate dauernde Kur.  
 2) ein viertägiges Fest = ein vier Tage währendes Fest.  
 3) ein jährliches Ereignis = ein jedes Jahr wiederkehrendes Ereignis.  
 4) eine viertägliche Grillparty = eine 4 Tage dauernde Party.

- 118- **Welcher der folgenden Sätze ist in der neuen Rechtschreibung gültig?**
- 1) Ich habe mich mit diesem Problem auseinandergesetzt.
  - 2) Ich habe mich mit diesem Problem auseinander gesetzt.
  - 3) Ich habe mich mit diesem Problem aus einander gesetzt.
  - 4) Ich habe mich mit diesem Problem aus einandergesetzt.
- 119- **In welchem Satz ist die Regel der Rechtschreibung eingehalten worden?**
- 1) Gutenberg, Erfinder des Buchdrucks, lebte im 16. Jahrhundert.
  - 2) Gutenberg Erfinder des Buchdrucks, lebte im 16. Jahrhundert.
  - 3) Gutenberg Erfinder des Buchdrucks lebte im 16. Jahrhundert.
  - 4) Gutenberg, Erfinder des Buchdrucks lebte im 16. Jahrhundert.
- 120- **Welche Form entspricht den Regeln der Rechtschreibung?**
- 1) Hans, Jan und Thomas sind heute nicht in die Schule gegangen.
  - 2) Hans und Jan und Thomas sind heute nicht in die Schule gegangen.
  - 3) Hans, Jan, Thomas sind heute nicht in die Schule gegangen.
  - 4) Hans und Jan, Thomas sind heute nicht in die Schule gegangen.